

در مراسم رونمایی، یک دوره از کتاب به دست آقای عمر فاروق، ناشر گرامی، در اختیارم قرار گرفت؛ از ایشان مجدداً تشکر می‌کنم و آرزومندم در امور فرهنگی و اشاعه آن هر روز موفقیت بیشتر نصیبشان شود.

توفیق سبحانی

**تاریخ نویسی در ایران؛ نقد و بررسی منابع برگزیده (از ابوعلی بلعمی تا میرزا آقاخان کرمانی)، عباس قدیمی قیداری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران ۱۳۹۶، ۲۴۴ صفحه.**

پیشینه ثبت رویدادهای تاریخی یا تاریخ‌نویسی در ایران، به دلیل فقدان تاریخی مکتوب از عهد باستان، مشخص نیست و شاید داستان‌های مذهبی و حماسی و اساطیری در عهد ساسانیان و نیز اخبار شاهان ساسانی را بتوان نخستین تاریخ مکتوب دانست. مهم‌ترین اثر این دوران خداینامه یا کتاب شاهان است که در شاهنامه به تکامل نهایی می‌رسد. از سده‌های اول اسلامی، تاریخ‌نگاری رونق یافت و تا امروز کتاب‌های بسیاری نگاشته شده که رد پای تاریخ ایران‌زمین در آنها مشهود است. کتاب تاریخ‌نویسی در ایران، تألیف دکتر عباس قدیمی قیداری، به تاریخ و تاریخ‌نویسی در ایران از دوره اسلامی تا آخر عهد قاجار می‌پردازد.

این کتاب مشتمل است بر مقدمه، پنج فصل، و سخن پایانی. مؤلف در فصل اول، با عنوان «مورخان ایرانی، تاریخ و تاریخ‌نویسی»، ابتدا به تفصیل به تأملات نظری تاریخ‌نویسان درباره تاریخ و تاریخ‌نویسی پرداخته و ذکر کرده که در قرون نخستین اسلامی به علم تاریخ توجهی نمی‌شده و، در نظام دانش اسلامی، تاریخ در ذیل علم حدیث و فقه قرار می‌گرفته است. با آغاز جنبش ترجمه، متفکران اسلامی، تحت تأثیر اندیشه و فلسفه یونان به‌ویژه تفکرات ارسطو، به تاریخ به دیده تحقیر نگرستند؛ اما به تدریج تاریخ جایگاه خود را یافت. ذکر دیدگاه تعدادی از مورخان اسلامی در مورد تاریخ و بررسی مؤلفه‌های اصلی تاریخ‌نویسی ایرانی از دیگر مندرجات این فصل است.

فصل دوم کتاب، با عنوان «تکوین و تشبیت تاریخ‌نویسی ایرانی؛ از سامانیان تا تأسیس دولت

ایلخانان»، ابتدا به عهد سامانیان و احیای زبان فارسی و تاریخ‌نویسی در آن دوران پرداخته است. مؤلف بیان می‌کند که تاریخ‌نویسی ایرانی در قرن چهارم و دوره سامانیان آغاز شده و در همین دوره شعر و نثر فارسی و، به دنبال آن، تاریخ‌نگاری رونق گرفته است. مهم‌ترین تاریخ این عهد به زبان فارسی تاریخ بلعمی، تألیف ابوعلی بلعمی، است که در این کتاب به تفصیل درباره آن بحث شده است. پس از آن، نویسندگان از عهد غزنویان و آثار تاریخی این دوره چون تاریخ بیهقی و تاریخ گردیزی و نیز از مورخان صاحب‌نامی چون ابن مسکویه و ابوریحان بیرونی تا قرن ششم، و نیز مهجور شدن مجدد تاریخ و انحطاط تاریخ‌نویسی صحبت کرده است. او همچنین اشاره کرده که در این دوران توجه به تاریخ محلی رونق گرفته؛ و در این زمینه، آثاری چون تاریخ سیستان، فارسنامه، تاریخ بیهق و... را بررسی کرده است.

عنوان فصل سوم «تاریخ‌نویسی ایرانی از ایلخانان تا برآمدن صفویان» است. در عصر ایلخانان، از آنجا که مغولان به جاودانه ماندن نام خود بسیار علاقه داشتند، علم تاریخ جدی گرفته شد و تاریخ‌نویسی ایرانی - فارسی دوباره رونق یافت، که از این رخداد به «نهضت بی‌نظیر وقایع‌نگاری و تاریخ‌نویسی و سرودن منظومه‌های تاریخی» یاد می‌شود. مهم‌ترین آثار این دوره تاریخ جهانگشای جوینی، جامع‌التواریخ، تاریخ و صاف و... است که در این فصل از کتاب به آنها پرداخته شده است. در ادامه، این فصل شامل تاریخ‌نویسی در عهد تیموریان و ترکمانان و بررسی تعدادی از آثار این دوران است.

«تاریخ‌نویسی ایرانی از برآمدن صفویان تا تأسیس دولت قاجار» عنوان فصل چهارم این کتاب است، که با تاریخ دوره صفویه آغاز می‌شود. این عصر نقطه عطفی در تاریخ ایران بود و، با آغاز آن، ادبیات و تاریخ و تاریخ‌نویسی، و به دنبال آن، فرهنگ و هنر در مسیر تازه‌ای قرار گرفت. عدم توجه به ادبیات و مهاجرت ادبا و شعرا، رشد چشمگیر هنر، و نیز رشد تاریخ و تاریخ‌نویسی و سپس افول آن، و توجه به تاریخ محلی و وقایع‌نویسی از دیگر موضوعات این فصل است. مطلب دیگر مندرج در این فصل تأثیر تاریخ‌نویسی ایرانی بر تاریخ‌نویسی عثمانی، از نظر سبک و محتوا و ساختار و نیز تأسیس منصب واقعه‌نویسی با الهام از این منصب در ایران است. تاریخ‌نویسی در عثمانی از ابتدای قرن نهم آغاز شد. در سال‌های نخست تأسیس

دولت عثمانی، آثار برجسته چندانی در تاریخ‌نویسی تألیف نشد و از دوره سلطان محمد فاتح (۱۴۵۱-۱۴۸۱م) به تاریخ‌نویسی توجه شد و به‌ویژه محمودپاشا، صدراعظم دولت، نقش مهمی در حمایت از تاریخ‌نویسی و مورخان ایفا کرد. از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در این دوران تألیف شد، یکی بهجت‌التواریخ (تألیف ۸۶۴ق)، اثر شکرالله بن شهاب الدین احمد است. این کتاب در تاریخ عمومی جهان تا جلوس سلطان محمد و به زبان فارسی است. از آثار دیگر می‌توان تاریخ آل عثمان، اثر محمد امین بن قونیوی و غزنامه روم (تألیف ۸۸۲ق)، اثر کاشفی را نام برد. کاشفی و معالی هردو از مهاجران ایرانی بودند. در قرن دهم و یازدهم تاریخ‌نویسی در عثمانی به اوج خود رسید و از مهم‌ترین آثار این دوران می‌توان، هشت بهشت، اثر ادریس بدلیسی (از مهاجران ایرانی) و تواریخ آل عثمان، اثر کمال پاشازاده را نام برد. کتاب هشت بهشت در تاریخ هشت پادشاه عثمانی است و بدلیسی در این نگارش از آثار تاریخ‌نویسان ایرانی چون جوینی و وصاف و شرف‌الدین علی یزدی تأثیر پذیرفته است. در دوره سلطان سلیم و سلطان سلیمان قانونی، تعداد زیادی سلیمان‌نامه و سلیمان‌نامه تألیف شد. توجه به آثار این دوران، نشانگر این است که بسیار از آثار تاریخ‌نویسی عثمانی با تأثیر پذیرفتن از تاریخ‌نویسی ایرانی و به زبان فارسی نوشته شد. در این فصل همچنین تاریخ‌نویسی در عصر افشاریان و زندیان بررسی شده است.

عنوان فصل پنجم، که فصل پایانی کتاب است «تاریخ‌نویسی در عهد قاجار» است. در این فصل بیان شده که تاریخ‌نویسی عصر قاجار از لحاظ کیفی و کمی بسیار متفاوت بوده و آقا محمدخان و فتحعلی شاه به تاریخ ایران باستان، و عباس میرزا به تاریخ ملل اروپا بسیار علاقه داشته‌اند. به طور کلی، ضرورت‌های مذهبی و سیاسی و نیز مبحث تبارشناسی از علل توجه قاجارها به تاریخ و تاریخ‌نویسی بود.

مؤلف محترم با امعان نظر در منابع تاریخی و با نگرشی نو به تحلیل تاریخ‌نگاری در ایران پرداخته، که شایسته قدردانی است.